تحلیل جایگاه اقتصادی ایران و راهکارها

جایگاه ایران در نظام اقتصاد جهانی (۲۰۲۵)، علل کندی رشد و راهکارهای خروج از بن‌بست: تحلیلی مبتنی بر داده‌های اخیر

نویسنده : سیدحسین هاشمی زادگان منشادی پژوهشگر مستقل **ایمیل**: hashemizadegan@gmail.com

ORCID: 0009-0003-9663-2714

بیست و سوم سپتامبر ۲۰۲۵

چکیده

مطالعه حاضر موقعیت جمهوری اسلامی ایران را بر پایه جداول تولید ناخالص داخلی جهانی (سال ۲۰۲۵، بر حسب دلار) که اخیرا منتشر شده است، ارزیابی می‌کند، دلایل ساختاری و نهادی عقب‌ماندگی اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهد و مجموعه‌ای از راهکارهای سیاستیِ کوتاه، میان و بلندمدت برای برون‌رفت از وضعیت کنونی پیشنهاد می‌دهد. مطابق داده‌های موجود، ایران در سال ۲۰۲۵ حدود ۴۶۴ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی داشته و در رتبهٔ سی‌وهفتم جهان قرار گرفته است؛ سهم ایران از تولید ناخالص داخلی جهان (حدود ۱۱۵ تریلیون دلار) تقریباً ۰/۴% است. مقاله نشان می‌دهد که ترکیبی از محدودیت‌های خارجی (تحریم‌ها و محدودیت دسترسی به بازارهای بین‌المللی و سرمایه)، وابستگی ساختاری به نفت و مواد اولیه، ضعف در حکمرانی اقتصادی و نهادی، تورم و عدم ثبات ارزی، سوء استفاده های گسترده مالی با عنوان هزینه های دورزدن تحریم‌ها و موانع بازار کار و سرمایه‌گذاری، مهم‌ترین علل این جایگاه است. بر اساس شواهد نظری و تجربی، مجموعه‌ای از اقدامات تعریف‌شده همراه با شاخص‌های قابل پایش و جدول زمانی پیشنهادی ارائه می‌شود.

مقدمه

جایگاه اقتصادی یک کشور در جدول تولید ناخالص داخلی جهانی نشانگر اندازه بازار، ظرفیت تولید، و توان رقابت‌پذیری آن در زنجیره‌های ارزش جهانی است. کاهش یا رشد کند سهم ایران در اقتصاد جهانی پیامدهایی فراتر از آمار دارد: تأثیر بر اشتغال، رفاه، توان استراتژیک و اثرگذاری بین‌المللی. این نوشتار با استفاده از جدول پیوست که رتبه‌بندی GDP کشورها در ۲۰۲۵ را نشان می‌دهد، وضعیت ایران را تبیین و مسیر سیاستی ممکن برای ارتقای وضع اقتصادی کشور را تشریح می‌کند.

روش‌شناسی

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است: نخست خوانش و ثبت داده‌های پیوست برای تعیین رتبه و سهم ایران از تولید جهانی؛ سپس مرور نظریه‌ها و شواهد تجربی در حوزه رشد اقتصادی، اقتصاد سیاسی و سیاست‌های تطبیقی؛ نهایتاً تلفیق یافته‌ها برای استخراج علل اصلی و تدوین راهکارها. تحلیل بر مبنای چارچوب‌های شناخته‌شده رشد (نئوکلاسیک، رشد درون‌زا) و ادبیات «جایگزینی صادرات» و «حکمرانی و سرمایه‌گذاری» انجام شده است.

نتایج: جایگاه ایران و معنای آن

- رتبه و سهم:
بر اساس داده‌های تنظیم شده برای سال ۲۰۲۵، جمهوری اسلامی ایران در جایگاه سی‌وهفتم از نظر تولید ناخالص داخلی (GDP) در سطح جهانی قرار دارد. میزان تولید ناخالص داخلی ایران در این سال حدود ۴۶۴ میلیارد دلار برآورد شده است. با توجه به اینکه تولید ناخالص داخلی جهانی در سال ۲۰۲۵ حدود ۱۱۵ تریلیون دلار تخمین زده می‌شود، سهم ایران از اقتصاد جهانی در حدود ۰/۴% خواهد بود.

این جایگاه از نظر مقیاس اقتصادی، ایران را در دستهٔ اقتصادهای متوسط قرار می‌دهد. این بدان معناست که اندازه بازار داخلی و ظرفیت تولیدی ایران، بزرگتر از اقتصادهای کوچک و نوظهور است، اما به طور قابل توجهی کوچکتر از قدرت‌های اقتصادی پیشرو منطقه‌ای و جهانی است. این سطح از درآمدزایی و تولید، پتانسیل ایجاد اشتغال پایدار و بهبود سطح رفاه عمومی را داراست، اما برای رقابت‌پذیری مؤثر در سطح جهانی و دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و قابل اتکا، نیازمند ارتقاء چشمگیر است.

- جایگاه منطقه‌ای:
در مقایسه با کشورهای همسایه و بازیگران اقتصادی مهم در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) و همچنین کشورهای همسایه مانند ترکیه، ایران با چالش‌هایی جدی در زمینه دستیابی به جایگاه اقتصادی برتر مواجه است. کشورهایی مانند عربستان سعودی، امارات متحده عربی و ترکیه، علیرغم داشتن منابع طبیعی کمتر یا در سطوح متفاوت، در تبدیل این منابع به ارزش افزوده بالاتر، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه بخش‌های غیرنفتی، موفقیت‌های بیشتری را تجربه کرده‌اند.

این عقب‌ماندگی منطقه‌ای ایران را می‌توان به عوامل متعددی نسبت داد:

- **عدم موفقیت در ایجاد ارزش افزوده:** اتکای بیش از حد به صادرات مواد خام (به ویژه نفت و گاز) به جای توسعه صنایع پایین‌دستی و محصولات فرآوری شده، مانع بزرگی برای کسب درآمد ارزی بیشتر و ایجاد اشتغال پایدار است.
- **محدودیت دسترسی به بازارهای بین‌المللی:** تحریم‌های اقتصادی و محدودیت‌های سیاسی، دسترسی ایران به بازارهای صادراتی، واردات فناوری و مواد اولیه با کیفیت، و همچنین ادغام در زنجیره‌های ارزش جهانی را دشوار ساخته است.
- **کمبود سرمایه‌گذاری خارجی:** عدم ثبات اقتصادی و سیاسی، ریسک بالای سرمایه‌گذاری، و موانع قانونی و اداری، مانع ورود سرمایه‌گذاران خارجی به اقتصاد ایران شده است. این امر، انتقال دانش فنی، فناوری‌های نوین و سرمایه‌های لازم برای توسعه بخش‌های پیشرفته را محدود می‌کند.

بنابراین، جایگاه ۳۷ جهان نشان‌دهنده یک وضعیت متوسط است که با وجود پتانسیل‌های بالقوه، از نظر اقتصادی نسبت به بسیاری از همتایان منطقه‌ای خود در موقعیت ضعیف‌تری قرار دارد. این موضوع پیامدهای جدی برای توسعه اقتصادی، اشتغال، و قدرت چانه‌زنی ایران در صحنه بین‌المللی دارد.

دلایل عمدهٔ کندی رشد و موانع پیشرفت

رشد اقتصادی کند و عدم دستیابی به جایگاه مطلوب در اقتصاد جهانی، ناشی از مجموعه‌ای از عوامل درهم تنیده است که می‌توان آن‌ها را به دو دسته کلی محدودیت‌های خارجی و موانع داخلی تقسیم کرد:

1. **تحریم‌ها و محدودیت‌های بیرونی:**
   - **محدودیت دسترسی به بازارهای مالی بین‌المللی:** تحریم‌ها، دسترسی ایران به سیستم بانکی جهانی، وام‌های بین‌المللی، و منابع مالی خارجی را به شدت محدود کرده است. این امر، توانایی کشور برای تأمین مالی پروژه‌های بزرگ، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، و حمایت از صادرات را کاهش می‌دهد.
   - **محدودیت پوشش بیمه‌ای و لجستیکی:** شرکت‌های بیمه بین‌المللی از پوشش دهی محموله‌ها و کشتی‌های مرتبط با ایران امتناع می‌کنند، که هزینه حمل و نقل و بیمه را برای کالاهای صادراتی و وارداتی ایران به شدت افزایش می‌دهد.
   - **محدودیت دسترسی به فناوری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خارجی مستقیم (FDI):** تحریم‌ها مانع انتقال دانش فنی، فناوری‌های پیشرفته، و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به بخش‌های مختلف اقتصادی ایران شده است. این موضوع، بهره‌وری، نوآوری، و توان رقابت‌پذیری صنایع ایران را تحت تاثیر قرار می‌دهد.
   - **افزایش هزینه‌های تراکنشی و ریسک:** تمامی این محدودیت‌ها منجر به افزایش قابل توجه هزینه‌های مبادلاتی برای فعالان اقتصادی ایرانی در سطح بین‌المللی و همچنین افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در ایران می‌شود.
2. **وابستگی به نفت و صادرات مواد خام:**
   - **شکنندگی در برابر شوک‌های قیمتی نفت:** اتکای بیش از حد به درآمدهای نفتی، اقتصاد ایران را در برابر نوسانات شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی بسیار آسیب‌پذیر می‌سازد. افت ناگهانی قیمت نفت می‌تواند کسری بودجه شدید، کاهش شدید درآمدهای ارزی، و انقباض اقتصادی را به همراه داشته باشد.
   - **ضعف انگیزه برای سرمایه‌گذاری در صنایع ارزش‌افزا:** درآمدهای حاصل از فروش نفت، به جای هدایت شدن به سمت توسعه بخش‌های تولیدی و صنایعی که ارزش افزوده بالاتری ایجاد می‌کنند، ممکن است صرف هزینه‌های جاری و یارانه‌ها شود. این امر، رقابت‌پذیری بخش‌های غیرنفتی را کاهش داده و مانع تنوع‌بخشی اقتصادی می‌گردد.
3. **بی‌ثباتی سیاست‌های کلان و ارزی:**
   - **نرخ بالای تورم:** تورم مزمن و بالا، قدرت خرید مردم را کاهش داده، پس‌اندازها را از بین می‌برد، و انگیزه سرمایه‌گذاری بلندمدت را مختل می‌کند. این امر، برنامه‌ریزی اقتصادی برای خانوارها و بنگاه‌ها را دشوار می‌سازد.
   - **چندنرخی بودن ارز:** وجود نرخ‌های متعدد برای ارز، فساد، رانت، و ناکارآمدی را در تخصیص منابع ارز به همراه دارد. این وضعیت، شفافیت را از بین برده و رقابت منصفانه را مختل می‌کند.
   - **عدم شفافیت در سیاست‌گذاری:** تغییرات ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی در سیاست‌های اقتصادی، مانع از برنامه‌ریزی استراتژیک فعالان اقتصادی شده و ریسک کسب و کار را افزایش می‌دهد.

4. **ضعف نهادها و حکمرانی:**
   - **قوانین ناکافی و پیچیده:** قوانین مبهم، دست و پا گیر، و گاه متناقض، مانع از فعالیت روان بخش خصوصی شده و زمینه را برای فساد فراهم می‌کند.
   - **رویه‌های اداری پیچیده و زمان‌بر:** بوروکراسی ناکارآمد و بوروکراسی اداری طولانی، فرآیند راه‌اندازی کسب و کار، اخذ مجوزها، و انجام معاملات را دشوار و پرهزینه می‌سازد.
   - **فساد:** فساد ساختاری در سطوح مختلف، منابع را به هدر داده، رقابت را مخدوش کرده، و اعتماد عمومی به نظام اقتصادی را از بین می‌برد.
   - **نقص در حفاظت از مالکیت فکری و قراردادها:** عدم اطمینان از اجرای صحیح قراردادها و حفاظت از حقوق مالکیت فکری، نوآوری و سرمایه‌گذاری در بخش‌های دانش‌بنیان را دلسرد می‌کند.
5. **بازار کار ناکارآمد و مهاجرت مغزها:**
   - **بیکاری ساختاری:** نرخ بالای بیکاری، به ویژه در میان جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، نشان‌دهنده عدم تناسب میان عرضه و تقاضا در بازار کار و ناتوانی اقتصاد در ایجاد فرصت‌های شغلی کافی است.
   - **محدودیت فرصت‌های شغلی برای نیروی انسانی ماهر:** نبود فرصت‌های شغلی مناسب، دستمزدهای رقابتی، و محیط کاری پویا، منجر به پدیده "فرار مغزها" و مهاجرت نخبگان و نیروهای متخصص به خارج از کشور می‌شود، که خسارتی جبران‌ناپذیر برای اقتصاد است.
6. **کمبود سرمایه‌گذاری در آموزش، تحقیق و توسعه (R&D):**
   - **سطح پایین سرمایه‌گذاری در نوآوری:** سهم کم تولید ناخالص داخلی که به تحقیق و توسعه اختصاص می‌یابد، مانع از نوآوری، توسعه فناوری‌های نوین، و ارتقاء بهره‌وری در صنایع مختلف می‌شود.
   - **عدم توسعه تکنولوژی:** عدم سرمایه‌گذاری کافی در R&D، منجر به وابستگی به فناوری‌های خارجی و عقب‌ماندگی از روند تحولات جهانی در حوزه‌های مختلف علمی و صنعتی می‌شود. این امر، پایین بودن بهره‌وری کل عوامل تولید (TFP) را در اقتصاد تشدید می‌کند.
7. **زیرساخت‌های ناکافی:**
   - **نقص در زیرساخت‌های لجستیک و حمل و نقل:** شبکه حمل و نقل ناکارآمد، هزینه‌های لجستیک را افزایش داده و زمان رسیدن کالا به بازار را طولانی می‌کند. این امر، توان رقابت‌پذیری صادرات را تضعیف می‌نماید.
   - **نظام انرژی ناکارآمد:** ضعف در زیرساخت‌های تولید و انتقال انرژی، منجر به قطعی برق، محدودیت در تأمین انرژی صنایع، و افزایش هزینه‌های تولید می‌شود.
   - **دسترسی دیجیتال محدود:** کمبود زیرساخت‌های ارتباطی و دیجیتال، مانع از توسعه اقتصاد دیجیتال، تجارت الکترونیک، و دسترسی سریع به اطلاعات و خدمات می‌شود.

راهکارهای سیاستی (قابل اجرا و زمان‌بندی‌شده)

برای خروج از وضعیت اقتصادی فعلی و دستیابی به رشد پایدار و افزایش سهم ایران در اقتصاد جهانی، نیاز به مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ و چندوجهی است. اصل راهنما در این راستا، اتخاذ سیاست‌هایی است که به طور همزمان به **تثبیت اقتصاد کلان** برای ایجاد محیطی امن و قابل پیش‌بینی و **تحول ساختاری** برای افزایش

بهره‌وری، رقابت‌پذیری، و تاب‌آوری اقتصاد می‌پردازند. اجرای این اقدامات باید به صورت مرحله‌ای و با استفاده از شاخص‌های مشخص برای پایش پیشرفت صورت گیرد.

الف) اقدامات کوتاه‌مدت (۱–۲ سال)

این مرحله بر ایجاد ثبات اولیه در اقتصاد کلان و رفع موانع فوری تمرکز دارد.

1. **تثبیت پولی و کنترل تورم:**
   - **هدف‌گذاری تورم تدریجی:** تعیین یک نرخ هدف مشخص برای کاهش تورم در سال‌های آتی و اتخاذ سیاست‌های پولی انقباضی و انضباط مالی برای دستیابی به آن.
   - **تقویت استقلال بانک مرکزی:** تضمین استقلال عملیاتی بانک مرکزی در اجرای سیاست‌های پولی، دور از فشارهای سیاسی و دولتی.
   - **کاهش سیاست‌های جبران‌ناپذیر پولی:** پرهیز از اقداماتی که در کوتاه‌مدت اثرات تورمی یا تورم‌زای شدید دارند، مانند استقراض مستقیم دولت از بانک مرکزی یا انتشار گسترده اوراق بدهی بدون پشتوانه.
2. **یکپارچه‌سازی بازار ارز و برنامهٔ شفاف برای دسترسی تجاری:**
   - **حذف چندنرخی بودن ارز:** گذار به سمت یک نرخ واحد و شناور مدیریت شده برای ارز، که بتواند سیگنال‌های قیمتی صحیح به بازار ارسال کند.
   - **ایجاد مکانیزم شفاف برای معاملات ارزی:** طراحی سازوکارهای روشن و قابل پیش‌بینی برای واردات، صادرات، و جابجایی سرمایه، به منظور کاهش فساد و رانت.
   - **رفع موانع دسترسی تجاری:** ساده‌سازی رویه‌های گمرکی و تجاری، و تلاش برای بهبود دسترسی به بازارهای بین‌المللی از طریق دیپلماسی اقتصادی.
3. **هدفمندسازی یارانه‌ها به نفع فقرزدایی:**
   - **جابه‌جایی از یارانه‌های عمومی به شبکهٔ حمایتی شرطی:** انتقال منابع یارانه‌های انرژی، نان، و سایر خدمات عمومی از نظام توزیع همگانی به سمت پرداخت‌های نقدی هدفمند به خانوارهای نیازمند و اقشار آسیب‌پذیر، مشروط به خدماتی نظیر آموزش و بهداشت. این امر ضمن کاهش کسری بودجه، به بهبود توزیع درآمد کمک می‌کند.

شاخص‌های پایش:

- **نرخ تورم:** کاهش ماهانه و سالانه شاخص قیمت مصرف‌کننده.
- **نرخ برابری ارز رسمی/بازار:** کاهش شکاف میان نرخ رسمی و نرخ بازار آزاد.
- **سهم جمعیت تحت پوشش حمایتی:** افزایش نسبت خانواده‌های نیازمند که از حمایت‌های اجتماعی برخوردار می‌شوند.

ب) اقدامات میان‌مدت (۳–۵ سال)

این مرحله بر اصلاحات ساختاری در حوزه‌های مالی، کسب و کار، و زیرساخت‌ها تمرکز دارد.

1. **اصلاح ساختار مالیاتی و شفافیت بودجه‌ای:**

- **گسترش پایهٔ مالیاتی:** افزایش تعداد مودیان مالیاتی و شناسایی منابع درآمدی جدید، به ویژه از بخش‌های پردرآمد.
- **کاهش فرار مالیاتی:** تقویت سازوکارهای نظارتی و اجرایی برای مبارزه با فرار مالیاتی و بهبود نظام مالیاتی.
- **شفافیت در شرکت‌های دولتی:** الزام شرکت‌های دولتی به ارائه گزارش‌های مالی شفاف و کاهش دخالت‌های غیرضروری دولت در مدیریت آن‌ها.

2. **بهبود فضای کسب‌وکار:**
- **حذف موانع اداری و کاستن از بروکراسی:** ساده‌سازی و تسریع فرآیندهای اداری مربوط به صدور مجوزها، ثبت شرکت‌ها، و اخذ مجوزهای لازم.
- **تقویت حقوق مالکیت:** تضمین قاطعانه حقوق مالکیت افراد و بنگاه‌ها، از جمله حقوق مالکیت معنوی و فیزیکی، به منظور افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران.
- **ایجاد پنجرهٔ واحد سرمایه‌گذاری:** راه‌اندازی مرکزی متمرکز که تمامی مجوزها و خدمات مورد نیاز سرمایه‌گذاران را در کوتاه‌ترین زمان ممکن فراهم کند.
- **تسهیل ثبت شرکت‌ها و دریافت تسهیلات:** کاهش پیچیدگی و زمان لازم برای ثبت شرکت‌ها و دسترسی به تسهیلات بانکی.

3. **جلب FDI هدایت‌شده به صنایع با ارزش‌افزوده بالا:**
- **شناسایی و ترویج صنایع اولویت‌دار:** تمرکز بر صنایعی مانند پتروشیمی‌ها (پلیمرها، مواد شیمیایی ویژه)، فناوری اطلاعات و ارتباطات (نرم‌افزار، هوش مصنوعی)، صنایع داروسازی پیشرفته، و صنایع غذایی فرآوری‌شده با قابلیت صادرات.
- **ارائه مشوق‌های هدفمند:** ارائه مشوق‌های مالیاتی، تسهیلاتی، و حمایتی خاص برای سرمایه‌گذاری در این صنایع، به ویژه برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی.

4. **نوسازی نظام انرژی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های لجستیک و دیجیتال:**
- **بهبود بهره‌وری انرژی:** سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین برای کاهش مصرف انرژی در صنایع و خانوارها، و نوسازی شبکه انتقال برق.
- **توسعه حمل و نقل:** ارتقاء و گسترش شبکه‌های ریلی، جاده‌ای، و بنادر برای تسهیل تجارت و کاهش هزینه‌های حمل و نقل.
- **تقویت زیرساخت دیجیتال:** توسعه شبکه فیبر نوری، افزایش پهنای باند اینترنت، و حمایت از استارتاپ‌های حوزه فناوری اطلاعات.

شاخص‌های پایش:

- **جریان خالص : FDI** میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی **Foreign Direct Investment** که وارد کشور می‌شود.
- **رتبه سهولت کسب‌وکار (Ease of Doing Business):** ارتقاء رتبه ایران در گزارش سالانه بانک جهانی.
- **سهم بخش غیرنفتی در صادرات:** افزایش میزان صادرات محصولات غیرنفتی به عنوان درصدی از کل صادرات.

ج) اقدامات بلندمدت (۵–۱۵ سال)

این مرحله بر ایجاد تحولات ساختاری عمیق، توسعه سرمایه انسانی، و اصلاحات نهادی پایدار متمرکز است.

1. **تنوع اقتصادی ساختاری:**
   - **توسعه زنجیرهٔ ارزش در صنایع نیمه‌پایدار:** گسترش فعالیت‌ها در طول زنجیره تولید، از استخراج مواد اولیه تا تولید محصولات نهایی با ارزش افزوده بالا، به ویژه در صنایع معدنی و کشاورزی.
   - **تبدیل منابع طبیعی به محصولات با فناوری متوسط و بالا:** اجرای پروژه‌هایی که منابع خام را به محصولات دانش‌بنیان، مواد پیشرفته، و کالاهای صادراتی با ارزش بالا تبدیل کنند.
2. **سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و نوآوری:**
   - **افزایش سهم GDP در آموزش و R&D:** اختصاص سهم بیشتری از تولید ناخالص داخلی به بخش‌های آموزش عالی، پژوهش، و توسعه فناوری، به منظور ارتقاء کیفیت نیروی کار و ظرفیت نوآوری.
   - **اجتناب از فرار مغزها:** ایجاد محیطی جذاب برای نخبگان و متخصصان از طریق فراهم کردن فرصت‌های شغلی مناسب، حقوق و مزایای رقابتی، و حمایت از تحقیقات کاربردی. طراحی برنامه‌های هدفمند برای مشوق‌های بازگشت متخصصان ایرانی مقیم خارج.
3. **اصلاحات نهادی عمیق:**
   - **مقابله ریشه‌ای با فساد:** تقویت نظام قضایی، ایجاد شفافیت حداکثری در فرآیندهای دولتی، و وضع قوانین سخت‌گیرانه علیه فساد.
   - **تقویت حکمرانی شرکتی (Corporate Governance):** الزام شرکت‌ها، به ویژه شرکت‌های بزرگ و دولتی، به رعایت اصول شفافیت، پاسخگویی، و رفتار اخلاقی در مدیریت.
   - **استقلال دستگاه قضایی:** تضمین استقلال کامل قوه قضائیه از فشارهای سیاسی و اجرایی، برای اجرای عدالت و تضمین حقوق شهروندان و سرمایه‌گذاران.
   - **شفافیت سیاست‌گذاری:** ایجاد فرآیندهای شفاف و مشارکتی در تدوین و اجرای سیاست‌های اقتصادی، با امکان مشارکت بخش خصوصی و جامعه مدنی.
4. **سیاست خارجی اقتصادی:**
   - **تعامل سازنده با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی:** تلاش فعال برای کاهش تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، رفع موانع تحریمی، و ایجاد روابط اقتصادی پایدار با کشورهای مختلف.
   - **جذب سرمایه خارجی:** بهبود چشم‌انداز سرمایه‌گذاری و ایجاد اطمینان برای سرمایه‌گذاران خارجی از طریق ثبات قوانین و سیاست‌ها.
   - **حضور فعال در بازارهای جهانی:** تسهیل حضور شرکت‌های ایرانی در بازارهای بین‌المللی و ادغام تدریجی در زنجیره‌های ارزش جهانی.

شاخص‌های پایش:

- **سهم اقتصاد دانش‌بنیان در GDP:** افزایش سهم صنایع و فعالیت‌های مبتنی بر دانش در تولید ناخالص داخلی.

- **نرخ مشارکت نیروی کار ماهر:** افزایش نسبت نیروی کار با تحصیلات عالی و مهارت‌های تخصصی در کل نیروی کار.
- **سهم صادرات با ارزش‌افزوده بالا:** افزایش درصد صادرات محصولات و خدمات با سطح فناوری بالا و ارزش افزوده قابل توجه.

پیاده‌سازی و ریسک‌ها

مکانیزم پیاده‌سازی:
پیشنهاد می‌شود برای حصول اطمینان از پیگیری و اجرای مؤثر این برنامه، یک **«کابینهٔ یکپارچهٔ اصلاح اقتصادی»** متشکل از نمایندگان عالی‌رتبه دولت (وزراء مرتبط)، بخش خصوصی (اتاق‌های بازرگانی، تشکل‌های صنفی)، دانشگاهیان (اقتصاددانان، متخصصان)، و نمایندگانی از جامعه مدنی (برای تأمین مشروعیت و پذیرش اجتماعی) تشکیل شود. این کابینه وظیفه هماهنگی، پایش، رفع موانع، و مدیریت تضاد منافع احتمالی میان بخش‌های مختلف را بر عهده خواهد داشت.

منابع مالی:
تأمین مالی اجرای این برنامه نیازمند یک رویکرد ترکیبی خواهد بود:

- **استفاده از منابع داخلی:** از طریق اصلاحات مالیاتی، کاهش هزینه‌های غیرضروری دولت، و بهبود بهره‌وری در تخصیص بودجه.
- **انتشار اوراق با تضمین شفاف:** استفاده از ابزارهای مالی نوین برای جذب سرمایه از بخش خصوصی داخلی و خارجی، با تضمین‌های شفاف و تضمین بازگشت سرمایه.
- **جذب سرمایه‌گذاری خارجی به‌صورت تدریجی:** با رفع تدریجی موانع و بهبود فضای کسب و کار، جذب سرمایه‌گذاری خارجی در پروژه‌های اولویت‌دار.
-

ریسک‌ها و راهکارهای مقابله:

- **ریسک بازگشت تحریم‌ها یا تشدید آن‌ها:** این یک ریسک خارجی جدی است که مستلزم تلاش دیپلماتیک مستمر برای کاهش تنش‌ها و تعامل سازنده با جامعه جهانی است. در صورت وقوع، لازم است اقتصاد تاب‌آورتر شود و وابستگی به واردات کالاهای اساسی کاهش یابد.
- **شوک‌های بین‌المللی:** نوسانات شدید در بازارهای جهانی، بحران‌های ژئوپلیتیکی، و سایر رویدادهای غیرمنتظره می‌توانند بر اقتصاد ایران تأثیر بگذارند. ایجاد ذخایر استراتژیک، تنوع‌بخشی اقتصادی، و انعطاف‌پذیری در سیاست‌ها می‌تواند به مقابله با این شوک‌ها کمک کند.
- **مقاومت سیاسی-اجتماعی در برابر برخی اصلاحات:** اصلاحاتی مانند کاهش یارانه‌ها، اصلاح نظام مالیاتی، و تغییر در ساختار برخی نهادها ممکن است با مقاومت گروه‌های ذی‌نفع و بخشی از جامعه روبرو شود. مقابله با این ریسک نیازمند یک **بستهٔ کامل حمایتی اجتماعی** (مانند انتقال یارانه‌ها به صورت نقدی به اقشار کم‌درآمد) و **ارتباطسازی شفاف با افکار عمومی** از طریق رسانه‌ها و اطلاع‌رسانی مستمر درباره چرایی و چگونگی اجرای اصلاحات است.

نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن داده‌های پیش‌بینی شده برای سال ۲۰۲۵، جایگاه سی‌وهفتم ایران با سهم حدود 0.4% از تولید ناخالص داخلی جهانی، نشان‌دهنده پتانسیل اقتصادی بالقوه قابل توجهی است که به دلایل ترکیبی از عوامل خارجی (مانند تحریم‌ها) و داخلی (مانند ضعف نهادی و وابستگی به نفت) به طور کامل محقق نشده است. خروج از این وضعیت بن‌بست، نیازمند یک برنامهٔ جامع و چندلایه است که همزمان بر **تثبیت اقتصاد کلان** (کنترل تورم، ثبات ارزی)، **اصلاحات نهادی و ساختاری** (بهبود حکمرانی، ارتقاء فضای کسب و کار، تنوع‌بخشی اقتصادی)، **سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و زیرساخت‌ها** (آموزش، تحقیق و توسعه، زیرساخت‌های فیزیکی و دیجیتال)، و **تلاش دیپلماتیک برای کاهش هزینه‌های خارجی** (رفع موانع تحریمی و تجاری) تمرکز داشته باشد.

اجرای هماهنگ این سطح از اصلاحات در یک بازهٔ زمانی میان‌مدت تا بلندمدت (۵ تا ۱۵ ساله) نه تنها می‌تواند ایران را از چالش‌های کنونی عبور دهد، بلکه آن را به مدار رشد پایدار، افزایش بهره‌وری، اشتغال‌زایی مؤثر، و ارتقاء جایگاه خود در اقتصاد جهانی بازگرداند. این امر مستلزم اراده سیاسی قوی، اجماع ملی، و برنامه‌ریزی مدون و پیگیر است.

منابع

گزارش‌های سالانه و مقالات تحلیلی صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی درباره اقتصاد ایران و مقایسه با اقتصادهای در حال توسعه.

- کتاب‌ها و مقالات آکادمیک در حوزه رشد اقتصادی، توسعه اقتصادی، و اقتصاد نهادی، نظیر:
  - Acemoglu, D., & Robinson, J. A. (2012). *Why Nations Fail: The Origins of Power, Prosperity, and Poverty*. Crown Business.
  - Rodrik, D. (2007). *One Economics, Many Recipes: Globalization, Institutions, and Economic Growth*. Princeton University Press.
- گزارش‌های سازمان تجارت جهانی (WTO) و کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (UNCTAD) درباره جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجارت بین‌الملل، و روندهای اقتصاد جهانی.
- مقالات و تحلیل‌های مراکز پژوهشی اقتصادی معتبر داخلی و بین‌المللی.